



۱۵۹۱۹۵



دانشکده حقوق

**پایان نامه دوره دکتری رشته حقوق عمومی**

موضوع:

**بررسی نسبت میان حاکمیت قانون و حاکمیت شرع در نظام**

**حقوقی جمهوری اسلامی ایران**

استاد راهنما:

**جناب آقای دکتر هاشمی**

اساتید مشاور:

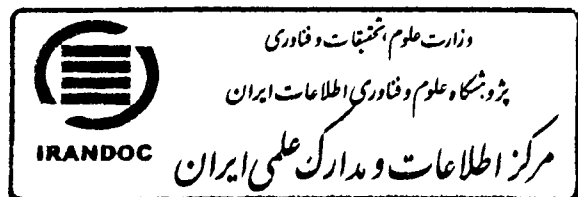
**جناب آقای دکتر راسخ**

**جناب آقای دکتر جلالی**

دانشجو:

**هدی غفاری**

سال تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸



۱۴۹۱۶۵

۱۳۸۹/۰۱/۱۹

## سیاسگزاری

این پژوهش مرهون راهنمایی، نظارت و مساعدت اساتید گرامی و ارجمند، جناب آقای دکتر هاشمی، جناب آقای دکتر راسخ و جناب آقای دکتر جلالی است. سپاس بیکران خود را انشأ الطاف بی دریغ آنان نموده و از ایندیگیتا برای ایشان توفیقات روز افزون را مسئلت می‌نمایم.

## چکیده

حاکمیت قانون نظریه ای چند وجهی، پیچیده و در حال تحول است که در مسیر پر پیچ و خم زمان از یونان باستان تا زمان حال همواره دستخوش منظومه ای از مفاهیم و برداشتهای متفاوت بوده است. گاهی از آن به معنای مساوات در برابر قانون تعبیر شده است و زمانی حاکمیت قانون در تقابل با حکومت شخص معنا شده است.

اصولاً در تحلیل "مفهومی" از واژه حاکمیت قانون نیل به توافق حد اقلی بر معنای اولیه این اصطلاح (حکومت قانون به جای حکومت شخص) کمال مطلوب تلقی می شود. در حالی که در "برداشت" از این واژه گامی فراتر از صرف درک حد اقلی و مشترک برداشته شده و در جولانگاه اندیشه مجالی برای ابراز تئوری های مختلف سیاسی، فلسفی و حقوقی رقیب مهیا می شود.

به طور کلی "برداشت" از اصطلاح حاکمیت قانون را می توان در قالب دو طیف عمده برداشتهای شکلی و برداشتهای ماهوی تقسیم بندی نمود. مهمترین ویژگی حاکمیت شکلی قانون را می توان در اندیشه محدود کردن قدرت فرمانروایان از طریق قانون و اعمال اصل قانونیت خلاصه نمود. در حالی که برداشت ماهوی از حاکمیت قانون از دیدگاه شکلی عبور کرده و قانون را به رعایت برخی از ویژگی های ماهوی ملزم می سازد. تأکید بر آموزه های اخلاقی و لزوم انطباق قوانین با ارزشهایی نظیر عدالت، آزادی و دموکراسی در این رویکرد کاملاً مشهود است.

حاکمیت شرع نیز به معنای حاکمیت قوانین آسمانی تشریح شده توسط شارع مقدس برای تنظیم زندگی دنیوی مردم می باشد.

در این رساله برآنیم تا به بررسی نسبت میان حاکمیت قانون و حاکمیت شرع در نحوه اعمال قوای مجریه، مقننه و قضائیه در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران بپردازیم.

## کلید واژگان

حاکمیت قانون، برداشت شکلی، برداشت ماهوی، حاکمیت شرع

## فهرست اجمالی

مقدمه.....	۱
بخش اول: مفاهیم، مبانی و برداشتها از حاکمیت قانون و حاکمیت شرع.....	۸
فصل اول: حاکمیت قانون.....	۹
فصل دوم: حاکمیت شرع.....	۵۳
بخش دوم: تعامل حاکمیت قانون و حاکمیت شرع در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران.....	۱۶۸
فصل اول: پیشینه حاکمیت قانون و حاکمیت شرع در نظام حقوقی ایران.....	۱۶۹
فصل دوم: تعامل حاکمیت قانون و حاکمیت شرع در قوه مجریه.....	۲۰۸
فصل سوم: تعامل حاکمیت قانون و حاکمیت شرع در قوه مقننه.....	۲۳۹
فصل چهارم: تعامل حاکمیت قانون و حاکمیت شرع در قوه قضائیه.....	۳۳۲
نتیجه‌گیری.....	۳۷۹
فهرست منابع.....	۳۸۸

## فهرست مطالب

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۱.....	مقدمه
۱.....	بیان مسأله
۵.....	پیشینه تحقیق
۵.....	دشواری های فراروی تحقیق
۵.....	گستره و قلمرو موضوعی تحقیق
۶.....	سوالات تحقیق
۷.....	فرضیه
۷.....	روش تحقیق
۸.....	بخش اول: مفاهیم، مبانی و برداشتها از حاکمیت قانون و حاکمیت شرع
۹.....	فصل اول: حاکمیت قانون
۹.....	گفتار اول: تعریف و پیشینه حاکمیت قانون
۹.....	مبحث اول: تعریف حاکمیت قانون
۱۲.....	مبحث دوم: پیشینه حاکمیت قانون
۱۴.....	۱) نقطه چرخش (تحول) مفهوم حاکمیت قانون در قرون وسطی
۱۶.....	۲) تعارض میان حاکمیت پادشاهان و حاکمیت قانون در قرن هفدهم
۱۹.....	گفتار دوم: برداشتها از حاکمیت قانون
۲۱.....	مبحث اول: برداشت شکلی از حاکمیت قانون
۲۲.....	۱- ویژگی های حاکمیت شکلی قانون
۳۰.....	۲- حاکمیت شکلی به مثابه جوهر قوانین
۳۲.....	۳- دموکراسی و حاکمیت شکلی قانون
۳۴.....	۴- ویژگی های ذاتی قانون
۳۸.....	مبحث دوم: برداشت ماهوی از حاکمیت قانون
۴۲.....	۱- حق های فردی
۴۵.....	۲- دموکراسی و حاکمیت ماهوی قانون

۴۵.....	۳- ویژگی های عرضی قانون
۵۳.....	فصل دوم : حاکمیت شرع
۵۳.....	گفتار اول: مفهوم حاکمیت شرع
۵۳.....	مبحث اول : تعریف شرع
۵۹.....	گفتار دوم: نحوه اعمال حاکمیت شرع
۵۹.....	مبحث اول: دیدگاه صلاحیت الهی در قانونگذاری
۶۹.....	مبحث دوم: دیدگاه صلاحیت مردمی - توحیدی در قانونگذاری
۷۵.....	۱) مبانی نظری شورا سالیاری
۷۵.....	۱-۱) شورا و اثبات ناسازگاری اسلام و استبداد
۸۱.....	۲-۱) شورا و اثبات سازگاری اسلام و دموکراسی
۹۹.....	مبحث سوم: دیدگاه صلاحیت بشری در قانونگذاری
۱۰۶.....	گفتار سوم: بررسی ارتباط میان دین و دولت در اندیشه سیاسی شیعه
۱۰۹.....	مبحث اول: تعریف دین
۱۱۴.....	مبحث دوم: تعریف سیاست
۱۱۶.....	مبحث سوم: تعریف سکولاریسم
	مبحث چهارم: بررسی طبقه بندی های موجود درباره رابطه میان دین و سیاست
۱۱۹.....	سیاست
۱۲۵.....	۱_ ارتباط دین و سیاست
۱۲۵.....	۱_۱_ اثبات کنندگان ارتباط دین و سیاست
۱۲۷.....	۱_۱_۱_ حداکثریها
۱۲۹.....	۱_۱_۲_ منطقه الفراغیها
۱۳۲.....	۱_۱_۳_ حداقلیها
۱۳۶.....	۱_۲_ نفی کنندگان ارتباط دین و سیاست
۱۳۶.....	۱_۲_۱_ دینگرایان
۱۳۷.....	۱_۲_۲_ دین ستیزان
۱۳۸.....	۲_ ارتباط نهاد دین و دولت
۱۳۸.....	۲_۱_ ادغام نهاد دین و دولت

۱۳۹	۲_۲_ تعامل نهاد دین و دولت
۱۴۰	۲_۲_۱_ نظارت نهاد دین بر دولت
۱۴۱	۲_۲_۲_ نظارت دولت بر نهاد دین
۱۴۴	۲_۲_۳_ همکاری نهاد دین و دولت
۱۴۵	۲_۳_ استقلال دولت از نهاد دین
۱۴۵	۲_۳_۱_ تفکیک گرایان
۱۴۷	۲_۳_۲_ انزوا گرایان
۱۴۷	۲_۳_۳_ تفصیل گرایان
۱۴۹	۲_۳_۴_ مخالفان نهاد دین (روحانیت)
۱۴۹	مبحث پنجم: نظریه های دولت در فقه شیعه
	۱- طبقه بندی نظریه های دولت بر اساس مبنای مشروعیت سیاسی
۱۵۴	
۱۵۶	۱-۱- مشروعیت الهی بلاواسطه
۱۵۶	۱-۲- مشروعیت الهی - مردمی
۱۵۸	۲- اصول مشترک نظریه ها
۱۵۸	۳- معرفی اجمالی نظریه های دولت در فقه شیعه
۱۵۸	۳-۱- سلطنت مشروع
۱۵۹	الف: ولایت انتصابی فقیهان در امور حسبیه
۱۵۹	ب: سلطنت مسلمان ذی شوکت
۱۶۰	۳-۲- ولایت انتصابی عامه فقیهان
۱۶۰	الف: ولایت
۱۶۱	ب: انتصاب
۱۶۱	ج: فقاہت
۱۶۱	د: قلمرو ولایت
۱۶۲	۳-۳- ولایت انتصابی عامه شورای مراجع تقلید
۱۶۲	۳-۴- ولایت انتصابی مطلقه فقیهان
۱۶۳	۳-۵- دولت مشروطه ( با اذن و نظارت فقیهان )



۱۶۴	۶-۳- خلافت مردم با نظارت مرجعیت
۱۶۵	۷-۳- ولایت انتخابی مقیده فقیه
۱۶۵	۸-۳- دولت انتخابی اسلامی
۱۶۶	۹-۳- وکالت مالکان شخصی مشاع
<b>بخش دوم: تعامل حاکمیت قانون و حاکمیت شرع در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران</b>	
۱۶۸	۱۶۸
<b>فصل اول: پیشینه حاکمیت قانون و حاکمیت شرع در نظام حقوقی ایران</b>	
<b>گفتار اول: پیشینه حاکمیت شرع و حاکمیت قانون در نظام حقوقی مشروطه</b>	
۱۶۹	۱۶۹
۱۶۹	مبحث اول: تجلی شرع در پاره ای از فرامین و متون قانونی
۱۸۱	مبحث دوم: پیشینه حاکمیت قانون در قانون اساسی مشروطیت
<b>گفتار دوم: جایگاه حاکمیت شرع و حاکمیت قانون در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران</b>	
۱۸۸	۱۸۸
<b>مبحث اول: تجلی حاکمیت شرع در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران</b>	
۱۸۸	۱۸۸
<b>مبحث دوم: جایگاه حاکمیت قانون در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران</b>	
۱۹۲	۱۹۲
<b>فصل دوم: تعامل حاکمیت قانون و حاکمیت شرع در قوه مجریه</b>	
۲۰۸	۲۰۸
<b>گفتار اول: حاکمیت قانون و ولایت مطلقه فقیه</b>	
۲۰۹	۲۰۹
<b>مبحث اول: تعریف ولایت مطلقه</b>	
۲۰۹	۲۰۹
<b>۱- ولایت مطلقه در مقابل ولایت مقیده</b>	
۲۱۲	۲- ولایت در اجرای احکام اسلامی و چاره اندیشی در مواقع تراحم
۲۱۴	۳- تصمیم گیری ولی فقیه در موارد استثنایی و خلأهای قانونی
<b>مبحث دوم: ولایت مطلقه فقیه و حاکمیت قانون اساسی</b>	
۲۱۷	۲۱۷
<b>گفتار دوم: صلاحیت قوه مجریه برای وضع مقررات دولتی</b>	
۲۲۵	۲۲۵
<b>فصل سوم: تعامل حاکمیت قانون و حاکمیت شرع در قوه مقننه</b>	
۲۳۹	۲۳۹

گفتار اول: اختیارات و صلاحیت های مجلس شورای اسلامی در قانونگذاری	
.....	۲۳۹
مبحث اول: قلمرو اصل چهارم قانون اساسی.....	۲۳۹
مبحث دوم: اختیارت و محدودیت های مجلس شورای اسلامی در امر	
قانونگذاری و تحقیق و تفحص.....	۲۵۱
۱- صلاحیت و حدود اختیارات مجلس در امر قانونگذاری.....	۲۵۲
۱-۱- محدودیت های حاکم بر مجلس شورای اسلامی در امر قانون	
گذاری.....	۲۵۵
۱-۲- موارد استثنایی اختیارات قابل تفویض از طرف مجلس شورای	
اسلامی.....	۲۵۹
۲- سایر مراجع وضع قانون و مقررات در نظام حقوقی ایران.....	۲۶۵
۱-۲- وضع قانون توسط فقهای اولین دوره شورای نگهبان.....	۲۶۶
۲-۲- تصویب مقررات توسط شورای عالی امنیت ملی.....	۲۶۷
۲-۳- وضع مقررات توسط شوراهاى اسلامی کشور.....	۲۷۰
۳- ابتکار مجلس در کسب اطلاعات (تحقیق و تفحص).....	۲۷۱
مبحث سوم: مستندات شورای نگهبان جهت تطبیق مصوبات مجلس با	
شرع.....	۲۷۴
۱- نظر مشهور فقیهان.....	۲۷۶
۲- نظر فقهای شورای نگهبان.....	۲۷۶
۳- نظر فقهی رهبری.....	۲۸۰
۴- نظر آن دسته از فقیهانی که بیش تر به صلاح کشور، و مورد اقبال	
و پذیرش عمومی است.....	۲۸۱
مبحث چهارم: بررسی تأثیر مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی بر	
اجرای اصل حاکمیت قانون.....	۲۸۳
۱- ضرورت تشکیل و مهمترین وظایف ستاد و شورای عالی انقلاب	
فرهنگی.....	۲۸۴
۲- جایگاه حقوقی شورای عالی انقلاب فرهنگی.....	۲۸۵

مبحث پنجم: بررسی تأثیر مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام بر	
اجرای اصل حاکمیت قانون.....	۲۹۷
۱- علت تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام.....	۲۹۷
۲- جایگاه و شأن مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام.....	۳۰۱
۱-۲) استدلال های موافقین قانون گذاری مجمع.....	۳۰۸
۲-۲) مخالفین قانون گذاری مجمع.....	۳۱۰
۳-۲) حل اختلاف میان مجلس و شورای نگهبان.....	۳۱۲
۴-۲) شیوه رسیدگی و حدود دخالت مجمع در مصوبه مجلس.....	۳۱۳
۵-۲) رابطه مصوبات مجمع با شرع و قانون اساسی.....	۳۱۸
۶-۲) شأن و مدت اعتبار مصوبات مجمع.....	۳۲۲
۷-۲) مصوبات مجمع و خدشه بر اصل حاکمیت قانون.....	۳۲۷
<b>فصل چهارم: تعامل حاکمیت قانون و حاکمیت شرع در قوه قضائیه.....</b>	<b>۳۳۲</b>
گفتار اول: مستندات دادرسان هنگام صدور رای.....	۳۳۲
مبحث اول: عدم شمول اصل ۱۶۷ نسبت به مطلق دعاوی کیفری.....	۳۳۸
۱- مخالفت اصل ۱۶۷ با اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها.....	۳۳۹
۲- صدور احکام نامشابه و لزوم تشنّت آرای قضایی.....	۳۴۰
۳- منافات اصل ۱۶۷ با اختیار شورای نگهبان در تطبیق قوانین.....	۳۴۱
۴- اولویت مستفاد از ماده ۲۹ ق.ت.د.ک.....	۳۴۱
مبحث دوم: تفصیل میان قوانین کیفری شکلی و ماهوی.....	۳۴۵
مبحث سوم: شمول اصل ۱۶۷ نسبت به تشخیص موضوعات احکام.....	۳۴۷
مبحث چهارم: شمول اصل ۱۶۷ ق.ا. نسبت به مطلق دعاوی کیفری.....	۳۴۸
۱- فتاوی و منابع معتبر در حکم قانون.....	۳۴۸
۲- عموم مستفاد از اصل ۱۶۷.....	۳۵۰
۳- اطلاق مستفاد از مشروح مذاکرات قانون اساسی.....	۳۵۰
۴- فهم قانون گذاران عادی و مفسرین قانون اساسی از اصل ۱۶۷.....	۳۵۱
گفتار دوم: مستندات دادرسان جهت خودداری از اجرای مقررات دولتی.....	۳۵۳
مبحث اول: گستره موضوعی اصل یکصد و هفتادم.....	۳۵۳

مبحث دوم: محدود بودن قلمرو نظارت قضات به مصوبات قوه‌ی مجریه	
۳۶۲.....	
گفتار سوم: کیفیت تجدید نظرخواهی از احکام صادره.....	۳۶۵
مبحث اول: مراتب تجدید نظرخواهی (به طور کلی).....	۳۶۵
مبحث دوم: اعاده دادرسی خاص از طریق رئیس قوه قضائیه.....	۳۷۴
نتیجه‌گیری.....	۳۷۹
فهرست منابع.....	۳۸۸

## مقدمه

### بیان مسأله

نسبت میان حاکمیت قانون و حاکمیت شرع، همواره از مسائل بحث بر انگیز و قابل تأمل محسوب می شده است.

حاکمیت قانون نظریه ای چند وجهی، پیچیده و در حال تحول است که در مسیر پر پیچ و خم زمان از یونان باستان تا زمان حال همواره دستخوش منظومه ای از مفاهیم و برداشتهای متفاوت بوده است. گاهی از آن به معنای مساوات در برابر قانون تعبیر شده و زمانی حاکمیت قانون در تقابل با حکومت شخص معنا شده است.

اصولاً در تحلیل "مفهومی" از واژه حاکمیت قانون نیل به توافق حد اقلی بر معنای اولیه این اصطلاح (حکومت قانون به جای حکومت شخص) کمال مطلوب تلقی می شود. در حالی که در "برداشت" از این واژه گامی فراتر از صرف

درک حد اقلی و مشترک برداشته شده و در جولانگاه اندیشه مجالی برای ابران تئوری های مختلف سیاسی، فلسفی و حقوقی رقیب مهیا می شود. به طور کلی "برداشت" از اصطلاح حاکمیت قانون را می توان در قالب دو طیف عمده برداشتهای شکلی و برداشتهای ماهوی تقسیم بندی نمود. مهمترین ویژگی حاکمیت شکلی قانون را می توان در اندیشه محدود کردن قدرت فرمانروایان از طریق قانون و اعمال اصل قانونیت خلاصه نمود. در حالی که برداشت ماهوی از حاکمیت قانون از دیدگاه شکلی عبور کرده و قانون را به رعایت برخی از ویژگیهای ماهوی ملزم می سازد. تأکید بر آموزه های اخلاقی و لزوم انطباق قوانین با ارزشهایی نظیر عدالت، آزادی و دموکراسی در این رویکرد کاملاً مشهود است.

حاکمیت شرع نیز به معنای حاکمیت قوانین آسمانی تشریح شده توسط شارع مقدس برای تنظیم زندگی دنیوی مردم می باشد. مفهوم حاکمیت شرع، در گذر زمان دستخوش تعاریف و برداشتهای مضیق و موسع فراوانی قرار گرفته است. به صورتی که گاه در عرصه اعمال حاکمیت شرع در حوزه تقنین به دیدگاه صلاحیت قانون گذاری الهی محض تعبیر شده است. و بر آن اساس عقل آدمی برای تدبیر نحوه اداره حکومت و به طریق اولی تدوین قوانین برای سامان بخشیدن به حیات اجتماعی مورد تردید قرار گرفته است. و در برداشت دیگری که دیدگاه صلاحیت الهی-مردمی نام گرفته است، مجالی برای دخالت انسان ها در طول اراده باری تعالی برای تدبیر زندگی اجتماعی و تنظیم قانون در حوزه منطقه الفراغ مهیا گشته است. همچنین نقش اجتهاد به واسطه پذیرش مقتضیات زمانی و مکانی برای وضع قانون در این نظریه جلوه گری می کند. از سوی دیگر بر اساس رویکرد صلاحیت بشری در قانون گذاری، وضع قانون برای تمشیت امور روزمره انسان ها محتاج ارتباط دائم با حقایق و واقعیات

زندگی فردی و اجتماعی انسان ها می باشد. این امر البته باید توسط موجود هوشیاری صورت بگیرد که در یک ارتباط دو سویه با آن حقایق و واقعیت ها قرار دارد. و بدیهی است که این موجود هوشیار نمی تواند کسی غیر از انسان باشد. نقش شرع در این نظریه صرفاً به عنوان اصلی راهنما در نظر گرفته می شود. که عمدتاً ناظر بر حیات فردی انسان ها به جای عرصه زیست جمعی آنها می باشد.

حال سوال اصلی اینجاست که نقطه تلاقی اصل حاکمیت قانون و حاکمیت شرع کجاست؟ به نظر می رسد از آنجا که به گواهی تاریخ همواره میان قانون و دستگاه حکومت پیوندی وثیق وجود داشته است، زیرا حاکمیت قانون همیشه در صدد بوده است تا قدرت لجام گسیخته و خودسر را مهار کرده و حاکمیت قانون را جایگزین حاکمیت شخص گرداند. لذا نقطه برخورد اصل حاکمیت قانون و حاکمیت شرع را باید در قالب نظریه هایی جستجو کرد که به حاکمیت قانون الهی به جای حاکمیت عقل بشری برای تنظیم و اداره زندگی اجتماعی پایبند و معتقد می باشند. در این مجال است که بحث تلائم میان حاکمیت قانون به عنوان اصلی که ریشه های آن را باید در قالب تئوری های مبتنی بر پذیرش حاکمیت مردمی (دموکراسی) جستجو کرد با حاکمیت شریعت مطرح می گردد. و بدیهی است که پذیرش هر یک از برداشت های شکلی و ماهوی از حاکمیت قانون و قائل بودن به هر یک از نظریه های متکی بر صلاحیت های الهی محض، الهی - مردمی و بشری در امر تقنین، تا چه اندازه در تبیین رابطه میان حاکمیت قانون و حاکمیت شرع دخالت دارد. در این رساله، برداشت شکلی از حاکمیت قانون و رویکرد صلاحیت الهی - مردمی در قلمرو حاکمیت شرع به عنوان ملاک و معیارما برای بررسی نسبت میان حاکمیت قانون و حاکمیت شرع در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، محسوب می شوند.

اصولاً برداشت شکلی از حاکمیت قانون از ماهیت مناقشه آمیز کمتری برخوردار است. زیرا برداشت ماهوی از دیدگاه حاکمیت شکلی و اصل قانونیت عبور کرده و قانون را به داشتن برخی از ویژگی های ماهوی ملزم می سازد. در این برداشت، صرف رعایت قانونی که مصوب مرجع ذی صلاح بوده و بر اساس تشریفات قانونی تصویب و ابلاغ شده باشد و حتی به نحو برابر و بر همگان اعمال شود نیز برای تحقق اصل حاکمیت قانون وافی به مقصود به نظر نمی رسد. زیرا برداشت ماهوی نسبت به محتوای قوانین بی تفاوت نیست و تنها دولتی را تابع حاکمیت قانون می داند که مؤلفه های فرا حقوقی از قبیل معیارهای اخلاقی و سیاسی را نیز محترم شمرده و اعمال حکومت را بر مبنای آن تنظیم کند. لذا با توجه به اینکه در نظام حقوقی ایران، فعلیت یافتن و تحقق کامل ایده حاکمیت شکلی قانون نیز با تردیدهای جدی روبه رو است، در این رساله از مبنا قرار دادن نظریه حاکمیت ماهوی به عنوان معیاری برای سنجش نظریه حاکمیت قانون و تعامل آن با حاکمیت شرع صرف نظر می نماییم.

با عنایت به مراتب فوق، در تدوین این رساله می کوشیم تا با مطالعه نظام حقوقی ایران که بر اساس اصول متعدد قانون اساسی<sup>۱</sup> از یک طرف پذیرای حاکمیت دین مبین اسلام بر کلیه شئون و ساختارهای جامعه بوده و از طرف دیگر اداره امور جامعه را با اتکا بر آراء عمومی<sup>۲</sup> پذیرفته است، به بررسی جایگاه حاکمیت قانون و ملازمه آن با حاکمیت شرع بپردازیم.

---

<sup>۱</sup> اصول متعدد قانون اساسی از قبیل ۲ و ۴ و ۵ و ۹۲ و ....

<sup>۲</sup> اصل ۶ قانون اساسی



## **پیشینه تحقیق**

در خصوص مفهوم حاکمیت قانون و چالش های فراروی آن، با توجه به شناسایی این مقوله به عنوان یک معضل در نظام حقوقی ایران، آثار متعددی به رشته تحریر در آمده است. صاحب نظران اغلب حاکمیت قانون و حاکمیت شرع را به عنوان دو مؤلفه تشکیل دهنده و مقوم جمهوریت و اسلامیت نظام به صورت مجزا بررسی کرده اند. لیکن در مورد نسبت میان حاکمیت قانون و حاکمیت شرع در نظام حقوقی ایران، اثر مستقلی که به زیور طبع آراسته گردیده باشد، موجود نیست.

## **دشواری های فراروی تحقیق**

به نظر می رسد، با توجه به حضور موثر دین مبین اسلام در همه ارکان و ابعاد نظام حقوقی ایران و ملازمه آن با حاکمیت قانون در کلیه شئون قانونگذاری، اجرایی و قضایی، یافتن محورهایی که در برگیرنده نقطه اصلی تلاقی این دو مفهوم با یکدیگر باشند و انتخاب آنها به عنوان مبنایی برای تبیین نسبت میان حاکمیت قانون و حاکمیت شرع، در زمره دشواری های فراروی تحقیق حاضر به شمار می آیند.

## **گستره و قلمرو موضوعی تحقیق**

ما در این رساله به دنبال بررسی نحوه تعامل و چالش های فراروی حاکمیت قانون و شرع در محورهایی نظیر قانونگذاری به طور خاص (از طریق مجلس شورای اسلامی) و رویه قضایی می باشیم و در این میان از آنجا که بررسی نحوه تعامل میان حاکمیت قانون و حاکمیت شرع در قوه مجریه به علت

جایگاه خاص رهبری در قانون اساسی و اشراف ایشان بر قوای سه گانه به واسطه ولایت مطلقه مندرج در اصل ۵۷ قانون اساسی<sup>۱</sup>، بحثی بسیار گسترده بوده و مجالی برای بررسی در یک رساله مستقل را می طلبد، در این پایان نامه صرفاً به بررسی مختصری از مفهوم ولایت مطلقه و تعامل آن با حاکمیت قانون بسنده می نمایم. همچنین ذکر این نکته ضروری است که در تحقیق حاضر علاوه بر بایسته ها و اصول مندرج در قانون اساسی در رابطه با تبیین جایگاه حاکمیت شرع و حاکمیت قانون، رویه های عملی قانون گذار عادی در وضع قوانین و قوه قضائیه در جایگاه صدور احکام و آرای قضایی نیز در حوزه مرتبط با تعامل حاکمیت قانون و حاکمیت شرع در نظام حقوقی ایران مد نظر قرار گرفته است.

## سوالات تحقیق

سوال اصلی که ما در این رساله به دنبال یافتن پاسخ برای آن می باشیم، به شرح ذیل می باشد.

در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران اصالت با حاکمیت شرع است یا حاکمیت قانون؟

هر چند این سوال کلی، دربر گیرنده سوالات فرعی متعددی از قبیل موارد زیر است:

(۱) حاکمیت قانون و حاکمیت شرع به چه معناست؟

---

<sup>۱</sup> اصل ۵۷ قانون اساسی مقرر می کند: قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند.

۲) با عنایت به اصل چهارم قانون اساسی آیا مجالی برای حاکمیت قانون در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران باقی می ماند؟

۳) با توجه به اینکه یکی از ویژگی های اصلی حاکمیت شکلی قانون، مصوب مراجع ذی صلاح بودن است، و مجلس شورای اسلامی تنها نهاد صالح برای قانونگذاری محسوب می شود، آیا مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام و شورای عالی انقلاب فرهنگی، مخدوش کننده اصل حاکمیت قانون نمی باشد؟

۴) با عنایت به اصول ۱۶۷ و ۱۷۰ قانون اساسی و امکان تحقق اعاده دادرسی خاص از طریق رئیس قوه قضائیه، جایگاه حاکمیت قانون در نظام دادرسی ایران چگونه تبیین می شود؟

### **فرضیه**

به نظر می رسد با عنایت به نحوه تعامل اصول حاکمیت شرع و حاکمیت قانون در اعمال قوای مقننه و قضائیه، در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، اصالت با حاکمیت شرع می باشد.

برای سوالات فرعی نیز در فصول مختلف پایان نامه، پاسخ های تفصیلی در نظر گرفته شده است.

### **روش تحقیق**

شیوه جمع آوری اطلاعات کتابخانه ای و روش تحقیق نیز توصیفی و تحلیلی می باشد.

بخش اول:

مفاهیم، مبانی و برداشتها از

حاکمیت قانون و حاکمیت شرع